



فرد متفکر از همه ابزارهای شناختی استفاده می‌کند

بررسی چالش‌های پیش روی حوزه تفکر در میزگرد داوران تفکر و پژوهش

اشاره

حوزه تفکر و پژوهش از جمله حوزه‌های جدید یادگیری است که در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» بر آن تأکید شده است. حوزه‌ای که شاید بتوان آن را چتری بر دیگر حوزه‌ها دانست که البته هنوز آن‌طور که باید و شاید برای ناشران و مؤلفان تبیین نشده است. شاید به همین دلیل هم باشد که تعداد آثار تألیفی در این زمینه کمتر از آثار ترجمه شده است. چرایی و ضرورت پرورش تفکر، نیازهای مخاطبان در ارتباط با این حوزه و فعالیت‌هایی که ناشران می‌توانند داشته باشند، از جمله موضوعاتی هستند که طی نشست‌های در حاشیه برگزاری «جشنواره کتاب رشد» بررسی شدند. میترا دانشور، محمدحسن حسینی و احمد غلامحسینی داوران این حوزه‌اند که به بررسی این موضوعات پرداختند.

پیش طراحی شده برخوردار نیستند. در حالی که باید براساس یک نقشه منسجم به مهارت‌های تفکر بپردازند. همچنین موضوعاتی داشته باشند که بچه‌ها دوست دارند درباره آن‌ها اظهار نظر کنند و با تجربیات آن‌ها هماهنگ است. اگر نگوییم جای این کتاب‌ها خالی است. اما حضورشان کم‌رنگ است.

نکته دیگر در باب ابزارهای مناسب است. گرچه داستان ابزار خوبی است، اما باید طوری باشد که دانش آموز میل و انگیزه داشته باشد آن را بخواند و توانایی اظهار نظر راجع به آن را داشته باشد. به غیر از داستان، جای فیلم مناسب هم خالی است و اغلب فیلم‌هایی که استفاده می‌کنیم، تولید کشورهای دیگرند. نمی‌گوییم که استفاده از تولیدات کشورهای دیگر خوب نیست، ولی خوب‌تر این است که تولیداتی هم در این زمینه داشته باشیم که با فرهنگ خودمان سازگار باشد و بچه‌ها بتوانند با آن همذات‌پنداری داشته باشند. این‌ها از آسیب‌هایی هستند که در حوزه پرورش تفکر باید مورد توجه قرار گیرند.

حسینی: در مورد حضور ناشران در این زمینه باید گفت، بخش بازرگانی ناشران این روزها بیشتر از بخش تولید محتوا در این زمینه فعالیت دارد. در تجدید چاپ کتاب‌ها بخش بازرگانی ناشران تصمیم می‌گیرد. یکی از موضوعات کلیدی در زمینه پرورش تفکر وجود کتاب‌های حل‌المسائل است. تصور مربیان یا خریداران کتاب،

جوانه: با توجه به اینکه تفکر یکی از حوزه‌های یادگیری است، اگر اجازه بدهید از این فرصت استفاده کنیم و کتاب‌هایی را که در این حوزه منتشر می‌شوند، آسیب‌شناسی کنیم و این موضوع را بررسی کنیم که آیا تولیدات ناشران توانسته‌اند نیازهای مخاطبان ما را برطرف کنند یا نه؟

دانشور: یکی از آسیب‌های نشر در حوزه پرورش تفکر، این است که به جای کتاب‌هایی که تفکر را پرورش دهند، کتاب‌های کار و تمرین بیداد می‌کنند. از پیش دبستانی تا پیش دانشگاهی کتاب‌های کار و حل‌المسائل‌ها را به راحتی می‌توان پیدا کرد، اما کتاب‌هایی که تفکر را پرورش دهند، انگشت‌شمارند. البته خوشبختانه در سال‌های اخیر حرکت‌هایی مشاهده می‌شود، ولی فکر می‌کنم این حرکت هنوز سطحی است.

نکته دیگر این است که بسیاری از کتاب‌هایی که درباره پرورش تفکر می‌بینیم، به مبانی اسناد بالادستی در این حوزه بی‌توجه هستند. در میان همان ۱۵ نسخه کتابی که در این دوره به دست ما رسیده است، برخی از آن‌ها نسبت به مبانی تعلیم و تربیت در کشور حساس هستند و برخی از کتاب‌ها فقط تا حدودی به مبانی توجه داشته‌اند. ولی برخی از آن‌ها براساس مبانی مغایر با مبانی، فلسفه تعلیم و تربیت و پرورش تفکر در کشور ما هستند.

غلامحسینی: برخی از این کتاب‌ها از انسجام و برنامه مدون و از





از جمله والدین، از کتاب‌های کمک‌آموزشی حل‌المسائل است. در حالی که این کتاب‌ها غیر از تنبیل کردن ذهن بچه‌ها و ایجاد انتظار در آن‌ها برای اینکه برای هر سوال دنبال جواب مشخصی باشند، فایده دیگری ندارد. در نتیجه از نظر آن‌ها یادگیری به همین معنا تلقی می‌شود. در حالی که همه می‌دانند، این غلط است.

به نظر من یکی از آموزه‌های مدارس یادگیرنده این است که در ارزیابی به جای اینکه به جواب‌های بچه‌ها نمره دهیم به بهترین پرسش نمره دهیم، این می‌تواند تفکر را در مدرسه کلید بزند. بچه‌ها اشکالی ندارد که به جواب مشخصی نرسند. مهم این است که بکوشند مسئله را حل کنند. در زندگی مسائلی پیش می‌آیند که ممکن است در حل آن‌ها به پاسخ نرسید، اما در فرایند حل مسئله چیزهایی یاد بگیرید که ارزشش از آن پاسخ بیشتر است. این همان ویژگی جست‌وجوگری و پرسشگری در بچه‌هاست. کسی نمی‌گوید مهارت‌های زندگی فقط در حوزه تفکر فلسفی است. تفکر ممکن است جنبه‌های زیادی را پوشش بدهد که نگاه فلسفی یکی از آن‌هاست. اما به نظر می‌رسد به طور کلی کتاب‌هایی که چاپ می‌شوند با برنامه نیستند.

● **جوانه:** به نظر شما ناشران و جشنواره این وظیفه و نقش را دارند که درباره تفکر و پژوهش تغییر دیدگاه فرهنگی ایجاد کنند؟

غلامحسینی: بله. اگر حوزه‌ای گستره بیرونی نداشته باشد، تمایز وجود خواهد داشت. ما کار خودمان را می‌کنیم و خانواده کار خود را. هر دگرگونی که می‌خواهد اتفاق بیفتد باید یک حامی داشته باشد. از نظر والدین درس‌های مهم‌تر درس‌هایی هستند که نتیجه آن‌ها در کارنامه قابل مشاهده است. ما باید تغییراتی را که در حوزه پرورش تفکر اتفاق می‌افتند، برای والدین روشن کنیم تا بدانند چگونه می‌توانند در رفتارهای فرزندان‌شان خروجی پرورش تفکر را ببینند.

● **جوانه:** مخاطبان ما چه نیازهایی دارند که باید ناشران از آن‌ها اطلاع داشته باشند؟

دانشور: وقتی صحبت از نیاز به پرورش تفکر می‌شود، گاهی منظور نیاز زمان حال است که برخی متوجه آن شده‌اند و برخی متوجه نشده‌اند؛ اما بحث نیاز در آینده هم وجود دارد. تحولات فناوری در سال‌های گذشته زندگی ما را دگرگون کرده‌است. برنامه‌های متفاوت و رسانه‌های گوناگون تأثیرات مثبت و منفی بسیاری بر زندگی ما گذاشته‌اند. طبیعتاً این رشته فناوری ادامه خواهد داشت و سرعت آن هم به قدری زیاد است که شاید حتی ما نتوانیم بگوییم پنج سال آینده جامعه به چه صورت خواهد بود. بنابراین، در آموزش‌هایی که ارائه می‌دهیم، نباید فقط نیازهای امروز را در نظر بگیریم، بلکه باید نیازهای آینده را هم مدنظر قرار داد. از آنجا که این نیازها به صورت صددرصد قابل پیش‌بینی نیستند، باید توانمندی‌هایی را در فرد به وجود آورد که فارغ از هر زمان و مکانی و با هر شرایطی فرد بتواند به کمک آن‌ها مسائلش

را حل کند. مانند پرسشگری و جست‌وجوگری که وابسته به زمان و مکان نیستند، اما مسائلشان ممکن است وابسته به زمان و مکان باشد.

حسینی: در این زمینه باید نگاه کلی‌تری داشته باشیم. اگر بخواهیم یادگیرندگی را در معلمان، مدرسه، جامعه‌ای که در تعامل با دانش‌آموز است و همه افرادی که در این سیستم حضور دارند، مطرح کنیم، موضوع از مدرسه فراتر می‌رود.

دانشور: شما حوزه مخاطبان را گسترش می‌دهید که من هم آن را قبول دارم. یعنی مخاطب ما در حوزه پرورش تفکر فقط کودک و نوجوان نیست و به آموزش والدین و مربیان نیاز داریم. به نظر من، می‌توانیم انواع تفکر را پرورش دهیم، مثل تفکر «حل مسئله» که با روش کاوشگری می‌توان آن را آموزش داد، اما این تفکر کافی نیست. تفکر خلاق، تفکر سیستمی و تفکر انتقادی همه مهم هستند. همچنین موضوعاتی مانند سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای و انواع سوادهایی که امروز مطرح هستند زیرمجموعه چتری قرار می‌گیرند به اسم تفکر. یعنی تفکر که پرورش پیدا کند، در مورد موضوعات متنوعی از جمله رسانه و اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما این‌ها به طور ناگهانی ایجاد نمی‌شوند. گام‌به‌گام باید به خرده مهارت‌هایی برای گروه‌های سنی متفاوت و موقعیت‌های مؤثر یادگیری تبدیل شود. یکی از آن موقعیت‌ها می‌تواند موقعیت واقعی زندگی باشد. پس از آن است که می‌رسیم به چگونگی آموزش. اکنون روی یک شیوه تمرکز شده است که داستان‌ها هستند و متأثر از کار لیپمن است که شاید اولین مدلی بود که برای پرورش تفکر وارد کشورمان شد. کتاب‌های دوبونو و اسکار برنی بعد از آن ترجمه شدند. یعنی ترجمه - که البته بد هم نیست چون این افراد در زمینه پرورش تفکر افراد بزرگی هستند - بر حوزه نشر سایه انداخته است. طبیعتاً کار لیپمن در زمان خود خیلی خوب بود؛ اما الان فقط استفاده از داستان کفایت نمی‌کند.

حسینی: یکی از ایراداتی که به افرادی مانند لیپمن گرفته می‌شود، این است که آن‌ها داستان‌نویس نیستند و با عقل کل سراغ ادبیات آمده‌اند و می‌خواهند مضمون را وارد داستان کنند. از این‌رو جذابیتی که در داستان‌ها و افسانه‌های ما هست، در این داستان‌ها نیست. ما معمولاً این داستان‌ها را ترجمه می‌کنیم، ولی با برنامه سراغ افسانه‌ها و داستان‌های خودمان نمی‌رویم. هر قصه و متنی مناسب کارگاه آموزش تفکر بچه‌ها نیست.

دانشور: یکی از نکات مثبت کتاب‌هایی که امسال به دست ما رسید، این بود که سراغ ادبیات بومی ایران رفته‌اند. اما نکته‌ای که جنبه منفی پیدا می‌کند این است که فقط سراغ داستان برویم. البته آثاری هم بودند که از انیمیشن، فیلم کوتاه، آزمایش، نمایش و بازی‌ها استفاده کرده بودند. فکر می‌کنم این را باید از نکات مثبت به حساب آورد و خوب است که سایر معلمان هم سراغ آن بروند. اما برای پرورش تفکر موقعیت‌هایی هم هست که در زندگی واقعی بچه‌ها وجود دارند. فکر می‌کنم از این نظر ما هنوز کمبود داریم.

● **جوانه:** پس نظر شما این است که مربی یک موقعیت واقعی

را ایجاد کند؟

دانشور: مثلاً پرسشگری باید در موقعیت‌های واقعی زندگی اتفاق بیفتد. پرسشی که ارزش صرف زمان و هزینه را داشته باشد تا به جواب‌های خوب برسد. صرفاً پرسشگری برای پرسشگری نباشد.

غلامحسینی: پرورش تفکر را نباید به معلم و دانش‌آموز منحصر کنیم، بلکه والدین و جامعه را هم باید در آن شریک کنیم. اگر چنین برنامه بزرگی را در نظر بگیریم، آن زمان می‌توانیم حامی مناسب هم پیدا کنیم. در این صورت به جای اینکه والدین در مقابل برنامه‌های درسی قرار بگیرند، خودشان حامی برنامه پرورش تفکر می‌شوند. نکته دیگر این است که: در جعبه ابزار ذهن کودک چقدر تفکر منطقی باید قرار دهیم و چقدر تفکر سیستمی و خلاق؟ از هر کدام چه اندازه باید باشد که دانش‌آموز هم به نیازهای حال بتواند پاسخ بدهد و هم به نیازهای آینده؟ از کجا باید شروع کنیم؟ این شروع در خیلی از کتاب‌ها گم شده است یا خیلی ساده و پیش پا افتاده است.

دانشور: من تفکر را از نوع مهارت‌های زندگی نمی‌دانم. تفکر یک توانایی ویژه انسان است که در زیرمجموعه این توانایی، مهارت‌هایی قرار می‌گیرد. من انسان متفکر را فردی می‌دانم که در وهله نخست این مهارت‌ها را دارد. همچنین ویژگی‌ها و منش‌هایی دارد که در برخی از این کتاب‌ها به آن‌ها پرداخته نمی‌شود. تفکر، جست‌وجوگری و حل مسئله کار سختی است. آدم متفکر روی موضوعاتی فکر می‌کند و ایدئولوژی و باورهایی دارد که آن‌ها را انتخاب کرده است. از ترکیب این جنبه‌ها فرد متفکر بیرون می‌آید. تفکر یک ویژگی است که صرفاً مهارتی نیست و باید در کتاب‌ها به این نکته توجه شود.

کتاب‌های پرورش تفکر به افراد کمک می‌کنند تا طرز تلقی خودشان برایشان روشن شود. همچنین باید کمک کنند فرد متفکر از همه ابزارهای شناخت استفاده کند. مشاهده یک جنبه از منابع شناختی حواس ماست. در حالی که ما عقل، نقل و شهود را هم داریم. فرد متفکر یاد می‌گیرد که از همه این منابع استفاده کند. من فکر می‌کنم این موضوع هنوز در کتاب‌های پرورش تفکر مغفول است. البته از یک کتاب نمی‌توان انتظار داشت همه این‌ها را با هم داشته باشد.

• جوانه: فکر می‌کنید ناشران چگونه می‌توانند در ارتقای سطح کتاب‌های این حوزه فعالیت کنند؟

دانشور: من فکر می‌کنم ترجمه هم بر روندی که برای پرورش تفکر طی می‌کنیم، تأثیر گذاشته است. ما و مؤلفان در وهله اول باید مفهوم تفکر را تعریف کنیم و مدل و برنامه برای آن داشته باشیم. ممکن است ناشری برای این کار برنامه داشته باشد و از مؤلف برای پیاده کردن برنامه‌اش کمک بگیرد. برای تولید کتابی که هم مهارت‌های تفکر و هم صفات و ویژگی‌های منش تفکر را پی بگیرد، برنامه، مدل، ابزارسازی و روش‌های مناسب لازم است. سپس باید به زبان مخاطبان مختلف و گروه‌های سنی

متفاوت در بیاید. لذا این حوزه از نشر بکر است و جای کار زیادی دارد.

از سوی دیگر، این حوزه مورد نیاز جامعه است و تصور من این است که جشنواره باید ناشران را به این سمت هدایت کند. یعنی ناشران وسعت کار را شناسایی کنند و منتظر مؤلف نباشند. می‌دانم ناشرانی هستند که اتاق فکر آماده کرده‌اند و برای این کار برنامه‌ریزی چند ساله دارند. این خیلی خوب است که جامعه نیاز را تشخیص داده است. فکر می‌کنم با تعامل دوطرفه بین ناشران و جشنواره، حوزه نشر کتاب‌های پرورش تفکر می‌تواند آثاری منسجم‌تر و با کیفیت بهتر ارائه دهد. گرچه کارهای خوبی انجام گرفته است، اما هنوز جای کار زیادی وجود دارد.

حسینی: آدم‌ها با روش‌های متفاوتی یاد می‌گیرند و ذائقه‌های متفاوتی دارند. به همین دلیل در اتاق‌های فکر باید مدل‌های ذهنی گوناگون حضور داشته باشند. یعنی طراحان بازی، اندیشمندان، مربیان، نویسندگان و شاعران در اتاق‌های فکر ناشران تعامل داشته باشند.

غلامحسینی: من ناشر را یک حلقه چاه می‌دانم و جشنواره کتاب رشد را مانند یک رشته قنات. یک حلقه چاه ممکن است آب نرساند و یا اگر برساند ظرفیت محدودی داشته باشد، اما رشته قنات خروجی بیشتری دارد. بنابراین نقشی که جشنواره می‌تواند داشته باشد، ایجاد مادر چاه‌هاست تا چاه‌های دیگر را

سیراب کنند. یعنی باید یک نقشه نه چندان جزئی و پیچیده را طراحی کنید و سپس کار را به عهده ناشران بگذارید.

دانشور: ما قدردان زحمات ناشران و مؤلفانی هستیم که در این زمینه کار کرده‌اند. اگر در حوزه کتاب‌های کار و تمرین کار می‌کردند مطمئناً درآمد بیشتری داشتند. پس این افراد علاقه‌مند به تأثیرگذاری بر توسعه و رشد فرهنگی کشور هستند و این قابل تقدیر است. درخواست و نیاز ما این است که ناشران و مؤلفان به انواع تفکر، منش تفکر و محرک‌های گوناگون برای پرورش تفکر توجه کنند. در بحث تفکر، موضوع، محیط و ابزارهای یادگیری را مورد توجه قرار دهند. برای مخاطبان گوناگون این کار را انجام دهند و فقط کودکان و نوجوانان را در نظر نگیرند؛ چرا که بزرگسالان ما هم به پرورش تفکر و تغییر دیدگاه نیاز دارند.

البته باید این نکته را متذکر شد که کتاب‌های تألیفی که امسال به این دوره از جشنواره رسیده‌اند، بهتر و بیشتر شده‌اند. ناشران و مؤلفان باید از موقعیت‌های زندگی افراد استفاده کنند و برای این کار برنامه و مدل کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت داشته باشند. نکته مهم این است که بدانند، برای بچه‌ها و مردم ایران کتاب می‌نویسند. اگرچه آثار ترجمه شده هم کتاب‌هایی هستند که توسط افراد صاحب نظر در این زمینه نوشته شده‌اند، اما لازم است از تجربیات دیگران متناسب با نیازهای کشور استفاده کنیم.

حسینی: آدم‌ها با روش‌های متفاوتی یاد می‌گیرند و ذائقه‌های متفاوتی دارند. به همین دلیل در اتاق‌های فکر باید مدل‌های ذهنی گوناگون حضور داشته باشند

